

علامه شعرانی (ره) به هر آنچه غیر علم بود، «نه» گفت

در گفتگو با استاد اکبر ثبوت

لطفاً بفرمایید کارهای علمی علامه شعرانی (ره)؛ اعم از تدریس و تحقیق، در تهران به چه صورت بوده است؟ آیا می‌توان ادعا کرد که ایشان در تعلیم و تربیت فرهیختگان حوزه علمیه تهران و دیگر حوزه‌های علمیه، نقش برجسته‌ای داشت؟

استاد شعرایی (شعرانی) (در تمام ایام سال، منهای دو روز، و نیز در بسیاری از شب‌ها، برنامه تدریس داشت. یک چند در مدرسه عالی سپهسالار، و سال‌ها در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، و نیز در مدرسه مروی تدریس می‌کرد. اما بیشترین درس‌ها را در خانه خود، در تهران، خیابان بوذرجمهری نو، کوچه صاحب‌الزمان) عج (فعلی، القاء می‌فرمود. در دوره جوانی، در مجالس تبلیغ مرحوم حجت‌الاسلام حاج سید ابوالحسن طالقانی) پدر مرحوم آیت‌الله محمود طالقانی (و مرحوم حاج عباسقلی بازرگان تبریزی) پدر مرحوم مهندس مهدی بازرگان، مطالب ارزنده‌ای را در باب نبوت و اثبات حقانیت اسلام و پاسخ به شبهات مخالفان مطرح می‌کرد. در سال‌های آخر عمر نیز در یک مجلس سیار که اهل علم و غیر آنان در آن شرکت می‌کردند، تفسیر قرآن می‌گفت و به شبهاتی که مطرح بود، پاسخ‌های قانع‌کننده می‌داد.

جلسات درس او گاه پیش از طلوع آفتاب، آغاز و تا نزدیک اذان ظهر ادامه داشت، و گاهی به شب، پس از نماز مغرب و عشاء ختم می‌شد. خود او به نوشته شادروان ایرج افشار، در ایمان به علم، کم‌نظیر بود و در تدریس، بی‌توقع. به هر کس و در هر زمان، آماده تدریس بود.

استاد شعرایی هم درس فقه و اصول می‌داد و هم درس تفسیر و تجوید و حدیث و رجال و فلسفه و کلام و ریاضی و هیئت قدیم و جدید و موسیقی نظری و طب اسلامی و زبان عبری. در طول ده‌ها سال تدریس در حوزه علمیه و دانشگاه نیز شاگردان مبرز تربیت کرد و از میان آنان:

* آیت‌الله میرزا هاشم آملی، از مراجع تقلید متأخر که بیش از دو سال نیز با شعرایی تفاوت سنی نداشت؛

* حاج میرزا علی‌اکبر غفاری که در ارائه متون حدیثی و تفسیری شیعه به صورتی منقح و مصحح، پیشگام بود و به گفته خود، از شعرایی، به موازات علم‌آموزی، «هیچ ندیدن» خود را آموخت؛

* آقا شیخ علی‌اصغر کرباسچیان معروف به علامه، بنیانگذار دبیرستان علوی که با نگارش توضیح‌المسائل مطابق فتوای آیت‌الله بروجردی، رساله‌نویسی را وارد مرحله جدیدی کرد؛

* آیت‌الله میرزا عبدالرضا کفایی خراسانی، نواده مرحوم آخوند خراسانی و از مدرّسان عالی‌رتبه حوزه علمیه قم که در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران از محضر استاد شعرایی، بهره‌ها برد و به گفته ایشان، آن مرحوم، معقولات را برای انسان محسوس کرد؛

* آیت‌الله حسن‌زاده آملی که در محضر استاد شعرایی، بسیاری از متون) از جمله: شرح شاطبیه در قرائت، مجمع البیان طبرسی، رسائل، مکاسب، چند مجلد از جواهر الکلام، عمده کتاب شفا و (... را درس گرفت؛

* آیت‌الله جوادی آملی؛

* آیت‌الله سید رضی شیرازی که اشارات و شفا و هیئت را در محضر مرحوم شعرایی خواند؛

*شیخ محمدباقر ساعدي خراساني، از مؤلفان و علمای حوزه مشهد؛

*سید محمدرضا کشفی، از مؤلفان کتب حکمی؛

*سید محمدحسن مرتضوی لنگرودی، از علمای حوزه قم که شرح اشارات و شرح چغمینی را در محضر استاد شعرایی فراگرفت؛

*احمد سیاح، از ناشران و کتابفروشان تهران که خود نیز کتاب‌های متعدد تألیف کرد؛

*از علمای درگذشته تهران: سید محمدرضا علوی (برادر بزرگ او نیز که قاضی دادگستری بود، از شاگردان استاد شعرایی بود)؛ حاج میرزا علی‌آقا شاهچراغی، از مدیران ارشد حسینیۀ ارشاد که ریاضی و فقه و معقول را از مرحوم شعرایی آموخت؛ حاج میرزا حسن ثقفی؛

*محمدعلی ناصح، رئیس انجمن ادبی ایران و از محققان و شاعران؛

*میرخانی، خوشنویس معروف؛

*اکبر داناسرشت، از دانشوران و حکمت‌شناسان نواندیش که می‌گفت: در ریاضی قدیم، استادی به تبحر شعرایی ندیده و خود در محضر او هیئت قوشچی و زیج‌الغریبک را درس گرفته بود؛

*محمد خواجه‌وی، از مشایخ طریقت و مترجم آثار ابن عربی و قونوی و قیصری و صدرا؛

*سید محمدباقر حجّتی، روحانی و استاد دانشگاه؛

*محمدعلی حکیم شیرازی، از مدرّسان حکمت، و عرفان‌مُشرب که در مدرسه مروی در محضر درس استاد شعرایی حضور می‌یافت؛

*از استادان دانشگاه و محققان نواندیش: دکتر سیدحسن سادات ناصری، دکتر مهدی محقق، دکتر محمد خوانساری، دکتر محسن جهانگیری، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب که به گفته خود، در حوالی سال‌های 1318-1319، در فراگیری قسمتی از امور عامه شفاء و نیز شرح تجرید و شرح میبدی بر هدایه، از محضر شعرایی استفاده کرد و بعضی از اجزای کتاب نجات ابن سینا را از وی آموخت و به ارشاد و هدایت وی، به فلسفه مسیحی اروپایی (تومیسمن نو) علاقه‌مند شد و دوره فلسفه لاهر (Laher) را که به زبان فرانسوی بود، با دقت و علاقه دنبال کرد.

*این بنده کمترین نیز قریب ده سال، به تفریق، از محضر ایشان بهره‌مند بوده و بسیاری از متون درسی و غیردرسی را در خدمت ایشان یا با راهنمایی‌شان فراگرفتم و در تحصیل علوم عقلی و دینی، بیش از هر کس، خود را وامدار ایشان می‌دانم. پس از درگذشت ایشان نیز که بخشی از یادداشت‌هایم، از افادات استاد شعرایی را به نظر استاد بزرگوار، مرتضی مطهری رساندم، ایشان بسیار تأسف خوردند که از آغاز اقامت‌شان در تهران تا پایان عمر استاد شعرایی، در طول قریب به بیست سال، به صرافت نیفتادند که از درس آن مرحوم استفاده کنند، و از این بی‌توفیقی خود، بسیار متعجب بودند.

چگونه علامه، تدریس، تعلیم و تحقیق را به صورت هم‌زمان تعقیب می‌کرد؟ آیا کار آموزشی ایشان باعث بازماندن از امر پژوهش نمی‌شد؟

در این مورد نیز که چگونه استاد شعرایی، کار تدریس و تحقیق را هم‌زمان دنبال می‌کرد و هیچ‌یک از این دو، مانع دیگری نمی‌شد، پاسخ این است که عمری را که دیگران به بطالت می‌گذرانند یا برای دستیابی به ثروت و مقام و... هزینه می‌کنند، شعرایی بخشی از آن عمر را به تحقیقات علمی اختصاص داد و بخش دیگر را به تعلیم. در یک کلمه، زندگی خود را وقف علم بما هو علم کرده بود و آن را به پای هیچ چیز قربانی نمی‌کرد، و چون شیوه‌های مختلف تحقیق و تألیف را می‌شناخت و به چند زبان مسلط بود و علیه هیچ رشته‌ای از معارف و علوم قدیم و جدید،

تعصب نداشت و در غالب آن‌ها استاد بود، لذا هم در مقام معلّمي، موفق بود و هم در عرصه پژوهش و نگارش.

سیطره موضوعات مورد پژوهش علامه شعراني(ره (تا چه اندازه بود؟ ایشان چگونه موضوعات گوناگون را با دید پژوهشي بررسی مي‌کرد؟

درباره محدوده وسیع موضوعاتي که استاد شعراني به تحقیق و پژوهش درباره آن‌ها مي‌پرداخت و نیز علمي که تدریس مي‌کرد، در پاسخ پرسش دوم مختصراً پاسخ دادم.

لطفاً برخي از خصوصيات اخلاقي علامه شعراني(ره (در امر پژوهش را برشماريد.

ویژگی‌هاي اخلاقي استاد شعرایی در کار تألیف و تحقیق:

1. پرهیز از اطناب و زیاده‌گویی و اقتصار به حداقلِ ضروري؛

2. حفظ مرزهاي علوم و موضوعات مختلف و مراقبت بر عدم تداخل آن‌ها در یکدیگر و پرهیز از به کارگیری شیوه تحقیقِ مخصوص به یک علم در علم دیگر؛

3. حرمت نهادن به تمامی دانشمندان و متفکران با صرف‌نظر از مذهب و آئین و مشرب ایشان؛

4. مصون ندانستن هیچ عالم و هیچ اثر علمي از نقد؛

5. دید انتقادي نسبت به برنامه‌هاي درسي و تألیفي که در حوزه‌هاي ما مورد توجه بوده و هست، و در آنها بسیاری از نیازهاي واقعي جامعه اسلامي نادیده گرفته شده و بر سر موضوعات و مسائلي کم‌اهمیت‌تر، عمرها، نیروها و امکانات فراوان به هدر رفته است؛

6. خردگرایی، خاصه در بحث‌هاي اعتقادي و پرهیز از راه دادن ذوقیات و استحسانات و سخنان غیربرهاني در این صحنه؛

7. نگاه نقّادانه به منقولات و نیز محتویات کتاب‌هاي حدیث و تفسیر و اهتمام بر تمیز سِرّه و ناسِرّه آن‌ها.

در پایان اگر توصیه‌اي به اساتید و طلاب اهل قلم دارید، بفرمایید.

آن‌چه استاد شعرایی را به آن مرتبه رسانید، دانش او بود و اهتمامي که بر نشر دانش از طریق تدریس و قلم زدن داشت. برای دستیابی به این دانش و توفیق در نشر آن نیز، او به هر آنچه غیر علم بود، «نه» گفت. نه به دنبال مال اندوزی بود و نه در پی جاه و مقام. از هدر دادن وقت و نشست و برخاست‌ها و رفت و آمدهاي عمر بر باد ده، سخت بر حذر بود و به لسان طنز مي‌گفت: «من با تمامی اصحاب مذهب تعطیل، شدیداً مخالفم»؛ و بدین لحاظ در هیچ یک از ایام سال) منهای عاشورا و 28 صفر)، درس ایشان تعطیل نمی‌شد و چون به ایشان گفتند: چگونه است که شما حتی در بیست و یکم رمضان، درس را تعطیل نمی‌کنید؟ پاسخ داد: مگر نه این است که به روایت معتبر شیخ صدوق، در دو شب بیست و یکم و بیست و سوم رمضان که بیش از هر شب دیگری محتمل است شب قدر باشد، مذاکره علمي از هر عبادت دیگری بافضیلت‌تر است) من أحیی هاتین اللیلین بمذاکره العلم فهو افضل(؛ و مگر جز این است که امیرمؤمنان(ع) (حتی در بستر شهادت و تا ساعتی پیش از آن‌که چشم از جهان فرو بندد، با سخنان گهربار خود مشغول تعلیم خلق بود؛ و یا روایت امام سجاد(ع) (از امام حسین(ع) (که خطاب به فرزندش فرمود: «ایاک و ظلم من لا یجد علیک ناصراً إلا الله») زنهار بر کسی که در برابر تو جز خدا یاوری ندارد، ستم نکنی).

یک بار دیگر هم گفتند: من به عنوان عضو شوراي عالي فرهنگ، به شورا پیشنهاد کردم نیمی از تعطیلاتي را که مربوط به مناسبت‌هاي مذهبي است، حذف کنند و به جای آن، در هر یک از روزهايي که مصادف با مناسبت‌هاي مزبور است) مثلاً روز شهادت امام صادق(ع)، یک برنامه دو ساعته برای مؤسسات آموزشی و ادارات و کارخانه‌ها و ... اجراء شود و در خلال آن، به سخنراني یا مقاله‌خواني و ... درباره مناسبت آن روز پردازند، تا عموم مردم، شناخت

بیشتری از شخصیت‌ها و مناسبت‌های دینی پیدا کنند.

استاد می‌گفتند: من این پیشنهاد را به شورای عالی فرهنگ دادم و بر خلاف انتظارم، معاون وزیر آموزش و پرورش، خانم فرخ‌رو پارسا که پدرش فرخ‌دین، اهل قم و حوزه‌دیده و از طرفداران شیخ نوری بود، از این پیشنهاد حمایت کرد، ولی بعضی دیگر مخالفت کردند و بهانه آوردند که اجرای این پیشنهاد، یک طرح عملی و فراگیر و جامع می‌خواهد. من گفتم: طرحش با من. کسانی هم که با هدف پیشنهاد، یعنی تقویت شناخت مردم نسبت به شخصیت‌ها و مناسبت‌های دینی، مخالف بودند، این‌جا و آن‌جا، پشت سر من گفتند: ادامه وضع کنونی (تعطیل و باز هم تعطیل (ضررش کمتر است. استاد می‌گفتند: من همچنان پی‌گیر این پیشنهاد و طرح مربوط به آن هستم؛ چون این همه تعطیلات که هیچ دستوری از جانب پیشوایان دین در مورد آن‌ها نداریم، تنها نتیجه‌اش اتلاف عمر افراد جامعه، از دانش‌آموز و دانشجو و کارگر و کارمند و... است و به بطلان گذراندن وقت، و توجیه عقلی و شرعی ندارد و بعضاً زمینه‌ساز افزایش کارهای خلاف هم هست.

نیز می‌گفتند: درس گفتن و درس گرفتن، عبادت است و ادای امانت است و فریضه، و همان‌طور که روز عید غدیر یا مبعث، نماز و ادای امانت را نباید تعطیل کرد، تعلیم و تعلم و کارهای غیردرسی را هم اگر به چشم وظیفه الهی و عبادت نگاه کنیم، حکم نماز و ادای امانت را دارد.

از مجموع آنچه به اختصار گفته آمد و می‌توان آن را در صدها صفحه، بسط و تفصیل داد، با شیوه سلوک استاد شعرایی در فعالیت‌های علمی، و به عنوان یک محقق و معلم آشنا می‌شویم، و اگر در پی تربیت افرادی برای نیل به جایگاه بلند او و عرضه آثاری هم سنگ آثار وی هستیم، اسوه قرار دادن او و سرمشق گرفتن از وی، راهی است که ما را به مقصد می‌رساند، و گرنه همه از عظمت گذشتگان گفتن و برای آنان ستایش‌نامه نوشتن و تشکیل ده‌ها سمینار و کنگره و جشنواره و غیره، هیچ حاصلی ندارد و جای خالی ده‌ها عالمی را که پنجاه شصت سال قبل بودند و اینک برای یک‌دهم آن‌ها جانشینی نمی‌توان یافت، با برنامه‌های رسمی و تشریفاتی نمی‌توان پر کرد. سبحان ربّ العزّه عمّا یصفون.